

از سهرورد تا حلب

پژوهشی در زندگی و اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی

مصطفی سامانی

سرشناسنامه: سامانی قطب آبادی ، مصطفی - ۱۳۶۴.

عنوان و نام پدید آور: از سهرورد تا حلب : پژوهشی در زندگی و اندیشه های شیخ اشراق / مصطفی سامانی.

مشخصات نشر: جهرم: مصلی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۳۹ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۵۷۲-۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت:

موضوع: سهروردی، یحیی بن حبش، ۹۵۴۹ - ۵۸۷ ق. — سرگذشتنامه

موضوع: سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۸۷؟۵۴۹ - ق. — نقد و تفسیر
شناسه افزوده:

رده بندی کنگره: BBR ۷۷۰/۲ الف ۴ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۵۴۹۲۷

انتشارات مصلی

نام کتاب: از سهرورد تا حلب (پژوهشی در زندگی و اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی)

مؤلف: مصطفی سامانی قطب آبادی

صفحه آرائی: مهندس مرتضی سامانی / مهندس محسن سامانی

طراح جلد: مهندس محمد سبزی جهرمی

ویراستار: بهرام کارگر

سال چاپ: پاییز ۱۳۹۲

نوبت چاپ: اول

چاپخانه: ژمزم

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱۷

بخش اول: زندگی و آثار شیخ شهاب الدین سهروردی

زندگی نامه..... ۲۲

علت مخالفت فقها با سهروردی..... ۲۴

نگاهی به زندگی علمی سهروردی به بیان خودش..... ۲۸

آثار سهروردی..... ۲۹

سهروردی از دیدگاه قطب الدین شیرازی..... ۴۲

جایگاه سهروردی در تاریخ فلسفه ی اسلامی..... ۴۲

اوضاع فکری در زمان حیات..... ۴۴

سهروردی و معارف زرتشتی..... ۴۷

مذهب سهروردی..... ۴۹

کفر سهروردی..... ۵۱

بنیادهای تفکر سیاسی سهروردی..... ۵۲

عنصر شیعی..... ۵۳

اشراقیان پس از سهروردی..... ۵۷

مراتب حکمت و طبقات حکما..... ۵۹

علت مرگ..... ۶۰

بخش دوم: نور در حکمت شیخ شهاب الدین سهروردی

منابع حکمت اشراق..... ۶۴

سرّ نامگذاری این دستگاه فلسفی به حکمت اشراق..... ۶۷

معنای لغوی نور و ظلمت..... ۶۹

نور نیازمند تعریف نیست..... ۶۹

تعریف غنی..... ۷۰

نور و ظلمت..... ۷۰

انواع نور..... ۷۲

نیاز جسم به نور مجرد..... ۷۴

نور مجرد، محسوس نمی باشد..... ۷۶

هر خود آگاهی نور مجرد است..... ۷۶

هر چه خود را در یابد نور مجرد است..... ۷۷

اثبات نورالانوار..... ۷۸

عدم نورالانوار امکان ندارد..... ۷۹

جسم نمی تواند جسم دیگر را ایجاد کند..... ۷۹

قاعده ی الواحد..... ۸۰

اختلاف انوار مجرد عقلی..... ۸۲

چگونگی و ترتیب آفرینش..... ۸۲

قهر نور عالی نسبت به پایین و عشق نور پایین نسبت به بالا..... ۸۵

اقسام ارباب اصنام..... ۸۶

قاعده ی فلسفی امکان اشرف..... ۸۸

چگونگی صدور بسیط از مرکب..... ۹۰

عوامل چهار گانه هستی..... ۹۱

علم واجب به اشیاء نسبت (اضافه) است..... ۹۲

بخش سوم: اندیشه های فلسفی شیخ شهاب الدین سهروردی

هستی شناسی..... ۹۶

عوامل الهی از دیدگاه سهروردی..... ۱۰۰

انسان شناسی..... ۱۰۳

رویکرد سهروردی به نفس آدمی..... ۱۰۴

ماهیت نفس..... ۱۰۴

دلایل اثبات وجود نفس..... ۱۰۵

رابطه ی نفس و بدن..... ۱۰۶

روح انسان..... ۱۰۷

مراتب و درجات دانایان و جویندگان معرفت..... ۱۰۸

تربیت اخلاقی از منظر سهروردی..... ۱۱۱

وحی و نبوت در نگاه سهروردی..... ۱۱۱

- ۱۱۸..... اراده ی الهی از دیدگاه سهروردی.
- ۱۱۹..... بررسی معاد از دید اشراقی.
- ۱۲۱..... ابطال تناسخ از دیدگاه شیخ اشراق.
- ۱۲۳..... سعادت و عذاب اخروی از دیدگاه سهروردی.
- ۱۳۴..... صور معلقه و جایگاه آنها.
- ۱۳۵..... تبدیل ارواح انسانی به فرشته.
- ۱۳۷..... فیضان انوار و فرشته شناسی.
- ۱۳۸..... مراتب مختلف فرشتگان موجد مراتب ملکوتی.
- ۱۴۰..... اهمیت فرشته شناسی در وحدت ادیان.
- ۱۴۰..... کاربرد فرشته شناسی در معرفت شناسی.
- ۱۴۱..... هماهنگ کردن فرشته شناسی زرتشتی با اصول فلسفه اسلامی.
- ۱۴۳..... تعریف حرکت به عقیده شیخ اشراق.
- ۱۴۶..... انتقاد ملاصدرا بر شیخ اشراق دو تعریف حرکت.

- تقسیم عرض از دیدگاه شیخ اشراق..... ۱۴۶
- نظر شیخ اشراق در مورد حرکت در مقولات..... ۱۴۷
- تفسیر حرکت کمی و بیان اقسام آن..... ۱۴۷
- تخلخل و تکاثف غیر حقیقی..... ۱۴۸
- نظر شیخ اشراق در بیان عدم وقوع حرکت در مقوله کم..... ۱۴۹
- رشد و نمو گیاهان از دیدگاه شیخ اشراق..... ۱۵۰
- تفسیر شیخ اشراق از جوهر..... ۱۵۲
- تقسیم جوهر از دیدگاه شیخ اشراق..... ۱۵۳
- تشکیک در جوهر از دیدگاه شیخ اشراق..... ۱۵۵

بخش چهارم: اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی در منطق

- منطق اشراق..... ۱۶۰
- آگاهی های انسان..... ۱۶۱
- قیاس..... ۱۶۲
- نوآوری های شیخ شهاب الدین سهروردی در منطق..... ۱۶۳

در باب تعاریف و حدود حقیقی..... ۱۶۴

در باب محصورات و تقسیم قضایا از لحاظ موضوع..... ۱۶۵

موجه بودن همه‌ی قضایا..... ۱۶۶

بازگشت همه‌ی جهات به ضروریات..... ۱۶۷

فرق بین سوالب و موجبات از لحاظ نیاز به موضوع..... ۱۶۹

حرف سلب در قضایای سلبیه..... ۱۶۹

ضرایب شکل اول..... ۱۷۰

نداشتن قیاس در شکل چهارم..... ۱۷۰

اقسام حدسیات..... ۱۷۰

نقد مشائیان در باب قضایا..... ۱۷۱

اثبات عکس بر اساس افتراض..... ۱۷۱

تعریف عرض..... ۱۷۲

ممکن بودن همیشگی ممکنات..... ۱۷۳

اعتبار عقلی بودن وجود و ماهیت امکان..... ۱۷۳

نقد مشائیان در تعریف حقیقی..... ۱۷۴

تعریف جسم..... ۱۷۴

وجود نداشتن تخلخل و تکاثف حقیقی..... ۱۷۵

هیولا..... ۱۷۵

وجود نداشتن جواهر فرد..... ۱۷۶

خلاء..... ۱۷۶

عدم راهیابی عدم در مفارقات و مجردات..... ۱۷۶

مُثل افلاطونی..... ۱۷۶

امور بسیطه..... ۱۷۷

حرکت قسری..... ۱۷۷

ابصار..... ۱۷۷

تقسیم اشیاء جهان..... ۱۷۸

حواس پنجگانه..... ۱۷۸

عدم صدور کثیر از واحد..... ۱۷۹

ثوابت و سیارات..... ۱۷۹

استقراء..... ۱۸۳

ابطال هیولا و صورت از دیدگاه مشائیان..... ۱۸۵

هیولای جهان مادی، همان مقدار است..... ۱۸۷

حدوث هیولا..... ۱۸۸

جسم چیست؟..... ۱۸۹

جوهر فرد یا جزء لایتجزی..... ۱۹۰

سهروردی به بیش از پنج مقوله معتقد نیست..... ۱۹۱

صورت نوعیه..... ۱۹۴

مقدمه

فلسفه اشراق دومین مکتب فلسفی است که در تاریخ تفکر اسلامی به ظهور رسید و راهی نو در تکاپوی فلسفی بر جامعه اسلامی گشود. فلسفه مشاء که با ابن سینا به اوج کمال خود رسید، از همان آغاز مورد انتقاد بعضی فقیهان و نیز متصوفان قرار گرفت. مخالفت فقها از آن رو بود که این فلسفه با برخی اصول اسلامی تغایر داشت و متصوفان از آن جهت بر فیلسوفان می تاختند که روش خشک عقلی و استدلالی را بی حاصل و نا کامیاب می دانستند؛ تا این که در قرن چهارم یک حریف سر سخت و جدی در مقابل فیلسوفان قد برافراشت و ضربات سنگینی بر پیکره‌ی تفکر فلسفی وارد آورد. این دشمن سر سخت چیزی جز علم کلام اشعری نبود.

این مکتب کلامی که توسط ابوالحسن اشعری تأسیس گشت، نهضتی ضد عقلی بود که هدف خود را زدودن عناصر غیر اسلامی از ساحت اسلام معرفی می کرد. ابو حامد محمد معروف به امام محمد غزالی یکی از بزرگ ترین متکلمان اشعری، پرچم دار مخالفت با فلسفه مشائی بود. او به همین منظور ابتدا کتاب «مقاصد الفلاسفه» را در تلخیص آرای فیلسوفان مشائی نگاشت و سپس در کتاب معروف خود «تهافت»

الفلاسفه^۱ به آرای فارابی و ابن سینا حمله کرد و بسیاری از آن ها را معارض با وحی دانست.

با روی کار آمدن وی انحطاط فلسفه مشائی در سرزمین های شرقی اسلام آغاز شد و این فلسفه به جانب مغرب و اندلس روی آورد و در آن جا دسته ای از فیلسوفان نامدار همچون ابن باجه و ابن طفیل و ابن رشد به مدت یک قرن به رشد و توسعه آن پرداختند. ابن رشد کوشید تا ضربه غزالی را در کتاب خود تهافت التهافت جبران کند ولی دفاع وی از فلسفه در جهان اسلام چندان مؤثر واقع نشد.

در همان زمان که قدرت فلاسفه مشاء رو به سستی می رفت و تمایل به تصوف و عرفان گسترش می یافت، مکتب فلسفی جدیدی به نام حکمه الاشراق در جهان اسلام متولد شد که برزخی میان فلسفه مشاء و عرفان خالص بود. بنیانگذار این مکتب شهاب الدین سهروردی ملقب به شیخ اشراق بود.

مقصود از فلسفه اشراق، فلسفه ای است که شیخ اشراق آن را تأسیس کرده است و اساس آن تجلی و ظهور انوار عقلی بر نفس حکیم است که از طریق تهذیب و تصفیه نفس میسر می شود، گرچه استدلال و برهان نیز در آن نقش دارد. روش فلسفه اشراق، روشی عرفانی -

^۱ تناقض گویی های فیلسوفان

استدلالی است؛ به این معنا که هم بر مجاهده و تصفیه نفس و کشف و شهود مبتنی است و هم به استدلال فلسفی پایبند است.

موضوع این اثر پژوهشی در زندگی و اندیشه های شیخ اشراق است. این اثر، شامل چهار بخش است: در بخش اول «زندگی» شیخ اشراق، از ولادت تا وفات و شرایط اجتماعی حاکم بر روزگار شیخ مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش دوم به مبحث «نورشناسی» شیخ اشراق پرداخته شده است و در بخش سوم «اندیشه های فلسفی» شیخ بیان شده و در فصل چهارم که آخرین فصل این اثر پژوهشی می باشد به بیان نوآوری های شیخ اشراق در «منطق» اختصاص داده شده است.

آن چه در این اثر قابل ملاحظه و مشهود است و به عنوان دغدغه نگارنده بوده آن است که در تألیف این اثر از منابع معتبر و درجه اول استفاده شود تا اطلاعات صحیحی در اختیار خوانندگان قرار گیرد. بدیهی است که این اثر ممکن است دارای نواقص و کاستی هایی باشد که امید است با تذکرات سودمند و مشفقانه اهل نظر اصلاح گردد و زمینه را برای برداشتن گام های استوار بعدی بیش از پیش مهیا کند. در پایان خداوند منان را بر این توفیق سیاس می گویم.

مصطفی سامانی قطب آبادی